

لزوم احیای دادگاه‌های تجاری در ایران

عباس قاسمی حامد*

غزل غفوری اصل**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵

چکیده

دادگاه‌های تجاری در زمره مهم‌ترین دادگاه‌های اختصاصی قرار دارند. برخی کشورها به اهمیت وجود این دادگاه‌ها برای رسیدگی تخصصی، دقیق، سریع و کم هزینه به دعاوی تجاری پی برده و آن را در نظام قضایی خویش، در کنار سایر مراجع، گنجانده‌اند. اما نظام قضایی کشور ما فاقد این دادگاه مهم اختصاصی است و فقدان این محاکم گاه روند رسیدگی به دعاوی مهم و حساس تجاری با خواسته بالا را در عین نیاز به تعیین تکلیف فوری و دقیق، با اطاله دادرسی روبه‌رو می‌سازد. تاکنون دکترین حقوقی تحقیق و مطالعه‌ای جامع و مستقل پیرامون این دادگاه‌ها و به‌ویژه ضرورت یا عدم ضرورت تشکیل آنها در ایران انجام نداده است. ما در این مقاله در پی آن هستیم که با اشاره به ویژگی‌های حقوق تجارت، تجربه درخشان دادگاه‌های تجاری در فرانسه و نیز مشکلات ناشی از نبود این محاکم در یک نظام قضایی، ضرورت احیای این دادگاه‌ها را در ایران توجیه نماییم.

کلید واژگان

دعاوی تجاری، آیین دادرسی تجاری، دادگاه اختصاصی، دادگاه عمومی.

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

dr.gh.hamed@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.

gh.ghafouriasl@gmail.com

مقدمه

امروزه در پی تکامل و پیچیده‌تر شدن روابط میان اشخاص، تخصص‌گرایی در رسیدگی به دعاوی و اختلافات میان آنها، امری انکارناپذیر است؛ زیرا، از رهگذر رسیدگی‌های دقیق و تخصصی به دعاوی، نتیجه مطلوب حاصل می‌شود و رویه‌های قضایی ارزنده‌ای از دادگاه‌ها برجای می‌ماند که باعث پیشرفت دستگاه قضایی کشور و در نتیجه تحقق هرچه بیشتر عدالت در جامعه می‌گردد. در راستای تحقق این امر و ایجاد زمینه‌ای برای دادرسی‌های تخصصی و دقیق دادگاه‌های خانواده، دادگاه‌های ویژه اطفال، دادگاه‌های اقتصادی و محاکمی از این دست در نظام قضایی ایران وارد شده است تا این حوزه‌ها را، که به دلیل حساسیت و پیچیدگی امور نیاز به بررسی‌های تخصصی و دقیق دارند، از سایر حوزه‌ها متمایز سازند.

یکی از حوزه‌های دادرسی که به دلیل پیچیدگی موضوعات، عناوین و دعاوی، نیاز مبرم به دادگاه‌های اختصاصی دارد، حوزه تجارت می‌باشد؛ زیرا، ماهیت امور و دعاوی تجاری سرعت و دقت فراوان در رسیدگی‌های تجاری را می‌طلبد. به‌علاوه تخصصی شدن اصطلاحات و مهارت‌های تجاری و خروج روابط و مبادلات بازرگانی از قالب‌های سنتی فقه و قانون مدنی لزوم وجود تخصص‌های تجاری-در کنار تخصص حقوقی-را برای رسیدگی به این نوع دعاوی، بیش از پیش نمایان می‌سازد. با این وجود در کشور ما محاکمی اختصاصی و مجزا از شعب دادگاه‌های عمومی، با قضاتی متخصص و آشنا با امور تجاری-و نه تنها حقوق تجارت- تحت عنوان " دادگاه‌های تجاری " وجود ندارد.

البته لازم به ذکر است که در فاصله بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ هجری شمسی^۱ محکمه تجارت در کنار سایر مراجع قضایی در ایران وجود داشت ولی در نهایت به دلیل ضعف و نقص قانون‌گذاری، بدون آنکه رویه‌ای ارزنده و درخشان از خود برجای گذارد، تعطیل گشت.

۱. از این پس در مقاله به جای واژه هجری شمسی از علامت اختصاری " ه.ش. " استفاده خواهیم کرد.

با تدوین پیش‌نویس لایحه آیین دادرسی تجاری^۱ در سال ۱۳۸۸ توسط قوه قضائیه، تصویب آن در سال ۱۳۹۰ توسط هیئت دولت و سپس تقدیم آن به مجلس، اهمیت بحث پیرامون این دادگاه‌ها و اساساً ضرورت یا عدم ضرورت تشکیل آنها در ایران بیش از پیش آشکار شد؛ زیرا، در این لایحه تشکیل دادگاه‌های تجاری در ایران برای رسیدگی به دعاوی تجاری پیش‌بینی شده و به ساختار، صلاحیت و آیین دادرسی این دادگاه‌ها در لایحه مذکور پرداخته شده است. لازم به ذکر است که این لایحه کماکان فرایند تصویب خود را در مجلس شورای اسلامی می‌گذراند.

در کنار این لایحه، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ نیز در ماده ۲۹ خود به تشکیل دادگاه‌های تجاری اشاره نموده است. این ماده چنین اعلام می‌دارد: «قوه قضائیه و دولت اقدامات قانونی لازم را برای تنظیم آیین دادرسی تجاری و تشکیل دادگاه‌های تجاری به عمل می‌آورند».

بنابراین با ملاحظه این دو متن قانونی نتیجه می‌گیریم که ضرورت تشکیل دادگاه‌های تجاری و نقش مؤثر آنها در حل و فصل هرچه بهتر و دقیق‌تر دعاوی تجاری، در سال‌های اخیر، از دید قانون‌گذار ایران مغفول نمانده است.

در این مقاله ما درصدد پاسخگویی به این پرسش مهم و ریشه‌ای هستیم که آیا اساساً احیای مجدد دادگاه‌های تجاری در ایران امری ضروری است یا خیر؟

با توجه به اینکه کشور فرانسه این دادگاه‌ها را در نظام قضایی خود گنجانده و توانسته با قانون‌گذاری صحیح ضمن حفظ آنها در طول سالیان متمادی در مجموعه مراجع قضایی خود، به رویه‌های ارزنده و موفق در رسیدگی به دعاوی تجاری دست یابد، ما بر آن شدیم تا با بررسی تجربه این کشور، پاسخی مستندتر و واقع‌بینانه‌تر به پرسش فوق دهیم. علت انتخاب فرانسه از میان کشورهای که دارای این دادگاه‌ها هستند، این بوده که حقوق ایران به‌ویژه حقوق تجارت آن، به شدت متأثر از نظام حقوقی فرانسه است و محتوایی نزدیک و گاه مشابه حقوق آن کشور دارد.

۱. از این پس در مقاله به جای عنوان کامل این لایحه از علامت اختصاری "ل.آ.د.ت." بهره می‌جویم.

این مقاله شامل سه گفتار می‌باشد. در گفتار اول بررسی مختصری پیرامون پیشینه تشکیل دادگاه‌های تجاری در هر دو کشور (فرانسه و ایران) خواهیم داشت. در گفتار دوم و در راستای پاسخگویی به سؤال فوق، ضمن بررسی ویژگی‌های حقوق تجارت و به تبع آن دعاوی تجاری، نقش دادگاه‌های تجاری و آیین دادرسی تجاری را در تأمین هرچه بیشتر و بهتر این ویژگی‌ها مورد بررسی قرار خواهیم داد و بالاخره در گفتار سوم ضمن اشاره به محدودیت‌ها و مشکلات امر دآوری در ایران، به‌عنوان روشی خصوصی برای حل و فصل اختلافات، ثابت خواهیم نمود که دآوری نیز نمی‌تواند، به‌طور کامل، جای خالی این دادگاه‌ها را در ایران پر کند و کماکان ضرورت تشکیل این محاکم در ایران به قوت خود باقی است.

گفتار اول: پیشینه تشکیل دادگاه‌های تجاری

نهاد دادگاه‌های تجاری امری جدید در نظام حقوقی و قضایی دو کشور فرانسه و ایران نیست و در هر دو کشور در سال‌های دور، ضرورت تشکیل این محاکم مورد توجه تجار و نیز حقوق‌دانان قرار گرفت و برحسب همین ضرورت‌ها دادگاه‌های تجاری وارد مجموعه قضایی این دو کشور شدند. در فرانسه از زمان تشکیل این محاکم تاکنون، ضرورت وجود آنها در نظام قضایی کشور، تحت الشعاع انتقادات وارد بر این محاکم قرار نگرفت و کماکان این دادگاه‌ها به حیات خود در این کشور ادامه می‌دهند. اما نظام قضایی ایران برخلاف فرانسه در میانه راه این محاکم را از نظام قضایی خود حذف کرد. بدیهی است علت این امر از بین رفتن ضرورت‌هایی که موجب تشکیل این محاکم شد، نبود؛ زیرا، با گذر زمان و با توجه به تحولات عظیم در حوزه تجارت و افزایش سطح مبادلات تجاری نه تنها از ضرورت‌هایی که در بدو امر احساس می‌شد کاسته نشده، بلکه این ضرورت‌ها روز به روز برجسته‌تر و بیشتر نیز گردیده است. بنابراین در راستای توجیه لزوم احیای مجدد دادگاه‌های تجاری در ایران لازم دیدیم که ابتدا به بررسی پیشینه تشکیل دادگاه‌های تجاری و نیز تغییر و تحولات آنها در فرانسه و ایران طی دو قسمت (الف) و (ب) بپردازیم.

الف) فرانسه

کشور ایتالیا مقدم بر فرانسه دادگاه‌های تجاری را در نظام قضایی خویش وارد ساخت و پس از آن فرانسه تحت تأثیر دادگاه‌های تجاری این کشور، خود نیز این دادگاه‌ها را در دستگاه قضایی خود گنجانده. علت این تقدم آن است که در قرون وسطی ایتالیا مهم‌ترین مرکز تجاری اروپا بود و بندرهای آن از جمله فلورانس نقش مهمی در انسجام آداب و رسوم و عرف‌های تجاری داشتند. منشأ اولیه شکل‌گیری این آداب و رسوم و بالتبع دادگاه‌های تجاری در بازارهای ونیز و جنوا بوده است.^۱ از درون همین بازارها بود که اصناف^۲ شکل گرفتند. در رأس هریک از این اصناف افرادی به نام کنسول^۳ قرار داشتند که از سوی تجار انتخاب می‌شدند و وظیفه اصلی آنها رسیدگی به دعاوی میان ایشان بود.^۴ رونق تجارت به تدریج از ایتالیا به سایر کشورهای اروپایی تسری یافت. در همین راستا فرانسه یکی از مهم‌ترین رقبای تجاری ایتالیا گشت. در این کشور در قرن پانزدهم میلادی مراجع کنسولی که از مدت‌ها قبل تحت تأثیر ایتالیا شکل گرفته بود، به فعالیت خود ادامه می‌دادند. نقطه عطف تاریخ دادگاه‌های تجاری در فرانسه به فرمان ۱۵۶۳ شارل نهم باز می‌گردد.^۵ در پی این فرمان اولین دادگاه تجاری در پاریس تشکیل شد و در ادامه با فرمان ۱۶۷۳ لویی چهاردهم صلاحیت دادگاه‌های تجاری به سرتاسر قلمرو فرانسه گسترش یافت. از ۲۴ اوت ۱۷۹۰ تاکنون این تشکیلات که تحت عنوان "مراجع کنسولی" در حقوق فرانسه شناخته شده بودند، نام "دادگاه‌های تجاری"^۶ را بر خود گرفتند و قانون اکتبر ۱۷۹۵ به تعیین ترکیب، تعداد و نحوه انتخاب قضات این دادگاه‌ها پرداخت.

۱. پرو، روژه؛ **نهادهای قضایی فرانسه**، ترجمه شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلامحسین کوشکی، چ نخست، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶.

2. Corporations.

3. Consule.

۴. اسکینی، ربیعا؛ **حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری**، چ دوم، تهران، انتشارات سمت، زمستان ۱۳۸۰، ص ۷.

5. Raviart, Eugene, **Les tribunaux de commerce**, Paris, Librairie des juris classeurs, 1932, p 15.

6. Les tribunaux de commerce.

انقلاب کبیر فرانسه که ساختار قضایی دوره استبداد را از بیخ و بن اصلاح کرد، سازمان دادرسی بازرگانی را ابقا نمود و در ساختار این محاکم تغییری ایجاد نکرد. علت آن نیز در دو امر نهفته است: نخست آنکه، قضات تجاری از بین بازرگانان و به‌وسیله آرای عموم آنها انتخاب می‌شدند و این ترتیب با اصول لیبرالیسم که مبنای انقلاب فرانسه بود، مطابقت داشت و دیگر اینکه صلاحیت بازرگانان که به عرف و عادت بازرگانی آشنایی و بصیرت عملی داشتند برای رسیدگی به دعوی تجار بیشتر از دادرسان خدمتگزار دولت بود که قوانین را ضمن تحصیلات علمی و نظری فرا گرفته بودند^۱. قوانین فرانسه در خصوص دادگاه‌های تجاری تا به امروز بارها مورد اصلاح و حتی نسخ به وسیله قانون جدید قرار گرفته است. در حال حاضر چهار منبع قانونی در خصوص دادگاه‌های تجاری در فرانسه وجود دارد که عبارتند از: ۱. قانون نهادهای قضایی فرانسه مصوب ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۷ میلادی^۲. ۲. آیین‌نامه ۱۳ ژانویه ۱۹۸۸ میلادی مصوب شورای دولتی فرانسه. ۳. قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه. ۴. قانون تجارت فرانسه.

بنابراین ملاحظه می‌شود که با گذر زمان و تحولات اقتصادی و پیچیده‌تر گشتن معاملات تجاری، نظام حقوقی و قضایی فرانسه بیش از پیش به لزوم وجود این دادگاه‌ها در کنار مراجع عمومی پی برده است؛ فلذا با وجود برخی نظریه‌ها که در سال‌های اخیر به دلایلی از جمله عدم آشنایی قضات کنسولی (نمایندگان تجار) با قوانین، در اندیشه حذف این محاکم هستند، در برابر اثرات مثبت وجود این دادگاه‌ها نتوانستند مقاومت نمایند و تنها تعداد شعب این دادگاه‌ها در سال‌های اخیر در فرانسه کاهش یافته است.^۳ اما هنوز اصل لزوم و ضرورت این دادگاه‌ها در فرانسه، به دلیل سابقه درخشان آنها در حل و فصل دعاوی تجاری، مخدوش نشده است. به‌علاوه با توجه به اینکه این ایرادات بر ماهیت و اساس وجود دادگاه‌های تجاری وارد نیست بلکه تنها برخی مباحث این دادگاه‌ها، از جمله ترکیب اعضای رسیدگی کننده این محاکم، را هدف قرار

۱. نگاه کنید به: اسکینی، ربیعا؛ همان، ص ۱۱ و پرو، روژه؛ همان، ص ۱۳۷ و متین دفتری، احمد؛ آیین

دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، چ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸، ص ۵۲.

2. Code de l'organisation judiciaire.

۳. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: پرو، روژه؛ همان، ص ۱۳۷ و ص ۱۵۰-۱۴۸.

داده است، اکثر دکتین حقوقی در فرانسه معتقدند که امکان رفع نواقص این دادگاه‌ها با اعمال تدابیر قانونی وجود دارد و نیازی به حذف کامل این محاکم نیست و این عمل مفید نخواهد بود.

ب) ایران

همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد، نظام قضایی ایران در سال‌هایی کوتاه از دادگاه‌های تجاری برخوردار بود؛ اما عمر آنها چندان به درازا نکشید. بنابراین نظام قضایی ما با این نهاد چندان بیگانه نمی‌باشد.

آنچه که مسلم است در ایران نیز مانند سایر نظام‌های حقوقی اهمیت و توجه به لزوم وجود این دادگاه‌ها بعد از ورود مقررات ماهوی حقوق تجارت آشکار گردید. بنابراین جهت جلوگیری از اطاله بحث تاریخچه از پرداختن به دوران قبل از آن خودداری می‌نماییم.

دوازده سال بعد از اولین قانون در زمینه امور بازرگانی^۱ - "قانون قبول و نکول بروات تجاری" که در ۹ جمادی الاول ۱۳۲۸ هجری قمری^۱ برابر با ۱۲۸۹ ه.ش. به تصویب رسید^۲ - در سال ۱۳۰۱ ه.ق. اولین دادگاه تجاری که در حقیقت یک مرجع صنفی برای رسیدگی به دعاوی میان تجار بود، در دیوان‌خانه^۳ تشکیل شد. توضیح آنکه در این سال‌ها - دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار - حکام شرع در تمام پرونده‌ها اعم از ملکی، مالی، مدنی و تجاری، خود را صالح به رسیدگی می‌دانستند. این امر عده‌ای از بازرگانان بزرگ و مطرح آن زمان را بر آن داشت که دست به تأسیس مجلسی متشکل از تجار، با اختیارات قضایی، بزنند که به حل و فصل اختلافات میان

۱. از این پس در مقاله به جای واژه هجری قمری از علامت اختصاری "ه.ق." استفاده می‌کنیم.

۲. عیسی تفرشی، محمد؛ **مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری**، ج ۱، چ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، ص ۱۴.

- راستین، منصور؛ **حقوق بازرگانی**، چ سوم، تهران، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ص ۲.

۳. دیوان‌خانه، به محاکم عرفی در برابر محاکم شرعی اطلاق می‌شد. «دیوان‌خانه به دعاوی عرفی بین افراد، دعاوی بین مردم و دولت، دعاوی اتباع بیگانه و دعاوی بین ایرانیان و اتباع خارجی رسیدگی می‌نمود.» / راوندی، مرتضی؛ **سیر قانون و دادگستری در ایران**، چ اول، انتشارات چشمه، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۴۶ (به نقل از شمس، عبدالله؛ **آیین دادرسی مدنی**، ج ۱، چ دوازدهم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵، ص ۴۵، پاورقی شماره ۲).

بازرگانان بپردازد تا از این رهگذر از مداخله‌های ناروای حکام شرع در مسائل تجاری و سوء استفاده آنان از دعاوی و مطالبات بین بازرگانان جلوگیری شود. تلاش این بازرگانان، در نیمه سوال ۱۳۰۱ ه.ق. منجر به صدور فرمانی از سوی ناصرالدین شاه شد که به موجب آن "مجلس وکلای تجارایران" - که اصطلاحاً "مجلس تجارت" نامیده می‌شد - تحت نظارت وزارت تجارت شروع به کار کرد.^۱ علی‌رغم استقلال این محاکم از محاکم شرع، رسیدگی در مجلس تجارت تا قبل از مشروطیت علاوه بر عرف و عادات محل همچنان تابع شرع بود.^۲

با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ه.ق. و شروع قانون‌گذاری در وجوه مختلف، قانون دیگری در زمینه امور بازرگانی تحت عنوان "قانون موقتی محاکم تجارت" در ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ ه.ق. به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۶۲ ماده بود و علاوه بر تشریح ساختار و ترکیب محاکم تجارت به وضع قواعد ویژه‌ای در خصوص آیین دادرسی این محاکم می‌پرداخت. در ۱۳۰۴/۱۱/۱۴ ه.ش. با تصویب "قانون تشکیل محاکم تجارت" توسط کمیسیون وزارت عدلیه، این دادگاه‌ها به حیات خود ادامه دادند. اما به دلیل عدم موفقیت این محاکم در اجرای هدف قانون‌گذار، قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷ ه.ش. در مواد ۴۳ تا ۴۷ خود، تغییراتی را در ساختار این قانون از حیث حضور عضو تجاری ایجاد کرد و "قانون تسریع محاکمات" در سال ۱۳۰۹ ه.ش. در قسمت پنجم خود که مربوط به دعاوی تجاری بود، با پیش‌بینی دادرسی اختصاری و نسخ قانون ۱۳۰۷، این دعاوی را در صلاحیت محاکم عمومی قرار داد و به این ترتیب عمر محاکم تجاری در ایران خاتمه یافت. بی‌تفاوتی اعضای تجاری محکمه تجارت نسبت به حضور در جلسات دادرسی و نقض اصول بی‌طرفی از جانب ایشان موجب گردید که دادرسی

۱. نگاه کنید به: امین، حسن؛ **تاریخ حقوق ایران**، چ اول، تهران، انتشارات دایره المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۲، صص ۴۰۸-۴۱۰ و متین‌دفتری، احمد؛ **پیشین**، ج ۱، ص ۵۳.
 ۲. خلعت بری، امیر ارسلان؛ **حقوق تجارت**، مطبوعه تجارت، ۱۳۱۲، ص ۴.

در محاکم تجارت بیش از حد انتظار به طول انجامد و این امر از جمله علل اصلی حذف محاکم تجارت از نظام قضایی ایران بود.^۱

در نهایت با تصویب "قانون آیین دادرسی مدنی" در سال ۱۳۱۸ ه.ش. "قانون تسریع محاکمات"، آخرین یادگار محاکم تجارت، نیز از مجموعه قوانین حاکم بر دعوی خارج شد و از این زمان کلیه دعوی اعم از مدنی و بازرگانی بر اساس قانون ۱۳۱۸ مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند.^۲ از این تاریخ به بعد علی‌رغم وجود نیاز شدید به یک مرجع اختصاصی برای حل و فصل دعوی تجاری، هیچ‌گونه تشکیلات تخصصی در ایران سامان نیافته است. با گذر زمان و با افزایش سطح مبادلات و معاملات تجاری و پیچیده شدن مهارت‌ها، روابط و اصطلاحات تجاری این نیاز بیش از پیش آشکار گردید.

گفتار دوم: ویژگی‌های حقوق تجارت

در این گفتار ذیل سه قسمت، به بیان ویژگی‌های مهم حقوق تجارت و مبادلات تجاری می‌پردازیم که ضرورت تشکیل دادگاه‌های تجاری را بیش از پیش آشکار می‌سازد. به عبارت دیگر هدف از تشکیل دادگاه‌های تجاری و تفکیک آنها از مراجع عمومی این است که این ویژگی‌ها در رسیدگی به دعوی و پرونده‌های تجاری مدنظر قرار گرفته و تأمین شود. بنابراین از گفته فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود که انتظار ما از تشکیل دادگاه‌های تجاری این است که این محاکم تأمین‌کننده این خصایص در رسیدگی‌های تجاری باشند وگرنه تشکیل دادگاه‌های تجاری سودی در بر نداشته و چیزی جزء تقسیم کار میان محاکم نخواهد بود. در این قسمت نقش قوانین فرانسه و نیز دادگاه‌های تجاری موجود در این کشور در تأمین این ویژگی‌های مهم و اساسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به‌علاوه به لایحه آیین دادرسی تجاری-که در واقع سند مؤسس دادگاه‌های تجاری در ایران خواهد بود- نیز پرداخته می‌شود و هدف آن است که از

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص علت حذف محاکم تجاری نگاه کنید به: متین دفتری، احمد؛ پیشین، ج ۱، صص ۵۴ و ۵۵.

۲. متین دفتری، احمد؛ پیشین، ص ۵۵.

رهگذار مقایسه با حقوق فرانسه، خلأها و نقایص موجود در این لایحه در زمینه تأمین ویژگی‌های حقوق تجارت در دادگاه‌های تجاری آشکار گردد تا در نهایت پیشنهاداتی جهت اصلاح آن ارائه شود.

الف) امنیت

منظور از امنیت-که "اعتبار" نیز خوانده می‌شود- این است که در عالم تجارت افرادی که وارد معاملات تجاری می‌شوند، این انتظار را دارند که قانون‌گذار از آنها در برابر زیان‌ها و خطرات احتمالی حمایت کند؛ زیرا، تنها در صورت وجود این حمایت قانونی از طلبکاران، افراد ترغیب و تشویق به معامله می‌شوند و همین امر برای طرف مقابل (تاجر) ایجاد اعتبار می‌کند. برخی قواعد که در حقوق تجارت فرانسه وضع گردیده، در راستای همین اعتبار و امنیت بخشیدن به معاملات تجاری است. از جمله این قواعد می‌توان به مسئولیت تضامنی امضا کنندگان اسناد تجاری و اصل تساوی طلبکاران تاجر ورشکسته اشاره کرد که در حقوق تجارت ایران نیز وارد شده‌اند. دادگاه‌های تجاری در راستای همین اصل در فرانسه شدت عمل و سختگیری بیشتری نسبت به بدهکار در مقایسه با حقوق مدنی اعمال می‌کنند و همین امر امنیت روابط تجاری را تقویت می‌کند. وظیفه تضمین اصل امنیت در درجه اول با قواعد ماهوی حقوق تجارت است.

بنابراین با توجه به توضیحات فوق و با عنایت به اینکه یکی از اهداف مهم از تشکیل دادگاه‌های تجاری حفظ اعتبار تجار و امنیت معاملات تجاری و نیز حمایت از غیرتاجر در برابر تاجر متخطی می‌باشد، برخلاف آنچه در بدو امر ممکن است به ذهن متبادر شود، تشکیل دادگاه تجاری به معنای متمایز و برتر دانستن طبقه تجار از سایر اقشار جامعه نمی‌باشد. به عبارت دیگر وجود یک دادگاه مجزا و مستقل از دادگاه‌های عمومی همیشه یک امتیاز برای تجار به حساب نمی‌آید. بلکه در بسیاری موارد هدف از تشکیل این محاکم، ایجاد زمینه‌ای برای برخورد سختگیرانه‌تر با تجار متخلف یا سهل‌انگار می‌باشد تا اعتبار حوزه تجارت و سایر تجار حفظ شده و غیرتاجر در برابر تاجر و در معامله با او احساس امنیت و رضایت بیشتری داشته باشد. به همین خاطر برخی

نویسندگان اصل "شدت عمل" در حقوق تجارت را ناشی از همین ویژگی "امنیت" می‌دانند.^۱ بدیهی است که این برخورد بعضاً شدید، در نهایت به افزایش سطح معاملات تجاری می‌انجامد و این امر به سود خود تجار خواهد بود.

ب) سرعت

در حقوق تجارت سرعت نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. امنیت و استحکام معاملات تجاری چنین می‌طلبد که وقتی در خصوص یک رابطه قراردادی میان طرفین اختلافی حادث شود، روند رسیدگی به این اختلاف و تعیین تکلیف پیرامون آن، هرچه سریع‌تر انجام پذیرد. به علاوه لازمه جلب منفعت و کنار زدن رقبای تجاری، داشتن سرعت در روابط تجاری است. بنابراین یکی دیگر از عوامل توجیه‌کننده ضرورت تشکیل دادگاه‌های تجاری این است که این دادگاه‌ها در عین دقت و مهارت، در زمانی کوتاه‌تر به پرونده‌های تجاری رسیدگی نمایند؛ زیرا، امروزه در صورت ارجاع این پرونده‌ها به دادگاه‌های عمومی با توجه به حجم وسیع پرونده‌های ورودی هر شعبه، نبود شعب حقوقی کافی و نیز کمبود قضاات دقیق، مجرب و متخصص، این دسته از دعوی نیز گرفتار امر کلیشه‌ای اطلاع دادرسی در این دادگاه‌ها می‌شوند که با اصل سرعت در رسیدگی‌های تجاری در تعارض است. البته لازم به ذکر است که تأمین این اصل مهم در دادرسی‌های تجاری تا حد زیادی منوط به وضع آیین دادرسی ویژه در عرصه تجارت است نه حقوق ماهوی تجارت. از اینجا به ضرورت وضع قواعد آیین دادرسی تجاری در کنار تشکیل دادگاه‌های تجاری پی می‌بریم. به عبارت دیگر صرف تشکیل دادگاه‌های تجاری نمی‌تواند به تنهایی ضامن سرعت در دادرسی‌های تجاری باشد؛ زیرا، اگر این محاکم را نیز تابع قید و بندها و تشریفات وسیع آیین دادرسی مدنی بدانیم، باز هم تسریع در رسیدگی‌های تجاری امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین برخلاف آنچه که در میان مؤلفین حقوق تجارت مشهور است، اصل سرعت نه به‌عنوان ویژگی متفاوت حقوق تجارت از حقوق مدنی بلکه از مقتضیات آیین دادرسی تجاری است. فلذا برای تأمین این اصل در دادگاه‌های تجاری و دادرسی تجاری لازم است که این محاکم از آیین دادرسی خاصی که با

۱. سماواتی، حشمت‌الله؛ حقوق تجارت، ج اول، ج اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۸، ص ۳.

کوتاه‌تر و ساده‌تر نمودن روند رسیدگی به دعاوی، باعث تسریع رسیدگی‌ها می‌گردند، تبعیت نماید؛ دادگاه‌های تجاری نیز مانند هر دادگاه اختصاصی، آیین رسیدگی خاص خود را می‌طلبند و بدون شک تشکیلات دادگاه‌های تجاری و آیین دادرسی حاکم بر آن به منزله رابطه جسم و روح است و باید با تدوین آیین دادرسی مختص این دادگاه‌ها، نحوه اداره دادرسی آنها معلوم باشد. بنابراین در صورتی که دادگاه‌های تجاری در کشور ایجاد شوند، برای آنکه اساساً هدف ما از تأسیس این محاکم محقق گردد، بایستی این دادگاه‌ها از آیین دادرسی خاص و متفاوتی از محاکم عمومی تبعیت کنند تا با تشریفات کمتر تجار زمان کمتری را برای مشخص شدن تکلیف و تثبیت وضعیت اقتصادی‌شان صرف کنند.^۱

برخی اصول که در آیین دادرسی تجاری در فرانسه وجود دارد زاینده همین اصل سرعت می‌باشد. از جمله آنها می‌توان به مرور زمان^۲، اجرای موقت احکام^۳ و دادرسی اختصاری^۴ اشاره کرد که برخی از آنها در قانون تجارت فرانسه و برخی دیگر در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (باب مربوط به آیین دادرسی دادگاه‌های تجاری) گنجانده شده است.

بازتاب این اصول را در حقوق تجارت ایران نیز که ترجمانی از حقوق تجارت فرانسه می‌باشد می‌توان دید. برای مثال بحث مرور زمان در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت در خصوص طرح دعاوی راجع به اسناد تجاری آمده است و مواد ۱۱۴ تا ۱۲۷ ل.آ.د.ت. نیز صراحتاً به مرور زمان در دعاوی اشاره کرده و آن را به کلیه دعاوی تجاری تعمیم داده است.

نهاد اجرای موقت احکام نیز در قانون تجارت ایران و نیز لایحه آیین دادرسی تجاری پیش‌بینی شده است. ماده ۴۱۷ قانون تجارت اجرای موقت حکم ورشکستگی را پیش‌بینی نموده است و

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص اهمیت اصل سرعت در رسیدگی‌های تجاری نگاه کنید به: شمس، عبدالله؛ پیشین، ج ۱، ص ۱۷، ش ۴ و

Le Gal, J.-P, **Droit commercial**, 4 e édition, Paris, Dalloz, 1973, p8.

2. Prescription .

3. L'exécution provisoire.

4. Procédure sommaire.

فصل هشتم لایحه (مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ ل.ا.د.ت) اجرای موقت کلیه احکام صادره از دادگاه‌های تجاری را ممکن می‌داند.

اما دادرسی اختصاری^۱ که موجب رسیدگی دقیق‌تر و سریع‌تر می‌گردد، در لایحه آیین دادرسی تجاری پیش‌بینی نشده و این امر یکی از ایرادات وارد بر این لایحه است. این در حالی است که طریق معمول دادرسی در دادگاه‌های ایران دادرسی اختصاری است اما لایحه آیین دادرسی تجاری با عدول از این روش معمول، دادرسی را به تبادل لوایح و تشخیص رئیس دادگاه وامی‌گذارد (مواد ۳۷ تا ۴۱ ل.ا.د.ت). لازم به ذکر است که دادرسی اختصاری نه تنها تأمین‌کننده اصل سرعت در رسیدگی‌ها است بلکه زمینه را برای رسیدگی دقیق‌تر و شفاف‌تر نیز آماده می‌سازد. اما در فرانسه دادرسی در دادگاه تجاری، به صراحت ماده ۱-۸۶۰ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه^۲، اختصاری است.

ج) تخصص

یکی از ویژگی‌های مهم حقوق تجارت تخصصی بودن آن است. توضیح آنکه هر یک از اعمال و معاملات تجاری دربرگیرنده موضوعات، عناوین و اصطلاحاتی است که تنها افراد متخصص-که خود در آن حوزه تجاری مشغول به فعالیت هستند-اشراف کامل و کافی نسبت به آنها دارند. با گذر زمان و افزایش سطح معاملات، حقوق تجارت و معاملات تجاری بیش از پیش به سوی تخصصی شدن رفته، از قالب‌های رایج مبادلات-مندرج در فقه و قانون مدنی-فاصله می‌گیرند و درگیر موضوعات جدیدی می‌شوند که رسیدگی دقیق به دعاوی ناشی از آنها در کنار تخصص حقوقی یک متخصص تجاری را می‌طلبد. بنابراین برای تضمین تخصص، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم حقوق تجارت، در رسیدگی‌های تجاری، بایستی دادگاه‌هایی اختصاصی و مجزا از

۱. دادرسی اختصاری در برابر دادرسی عادی قرار دارد و منظور از آن رسیدگی به دعاوی مطروحه با تشکیل جلسه رسیدگی و استماع اظهارات طرفین دعوا است بدون آنکه این جلسه مسبوق به تبادل لوایح باشد.
 ۲. این ماده چنین بیان می‌دارد: «رسیدگی [در دادگاه تجاری] شفاهی است».

دادگاه‌های عمومی با قضاتی متخصص در امر تجارت تشکیل شود و نمی‌توان تنها به اختصاص چند شعبه از شعب دادگاه‌های عمومی فعلی، با همان قضات، به دعاوی تجاری اکتفا نمود. بنابراین تشکیلات دادگاه تجاری و شرایط انتخاب قضات آن باید به گونه‌ای باشد که کسانی به دعاوی تجاری رسیدگی کنند که اشراف کافی نسبت به موضوع دعوی از حیث علمی و تجربی داشته باشند و بتوانند با بالاترین ضریب دقت و در کمترین زمان ممکن به حل و فصل دعوا بپردازند. ضمن آنکه تجار نیز تا حد زیادی تمایل دارند توسط افرادی از میان خودشان به قضاوت گذارده شوند.^۱ البته این امر به این معنا نیست که ما لزوم حضور قضاتی با دانش حقوقی را در این محاکم نادیده بگیریم. به عقیده ما بهترین راه برای تأمین اصل تخصص-تجاری و حقوقی- در رسیدگی‌های تجاری حضور قضاتی با دانش حقوقی در کنار تجار منتخب هر صنف، با حق رأی مساوی، برای رسیدگی به پرونده‌های تجاری می‌باشد؛ به گونه‌ای که تصمیم‌گیری نهایی حاصل نظر و رأی هر دو دسته باشد. این در حالی است که طبق قانون تجارت فرانسه قضات دادگاه تجاری همگی قضات کنسولی (نمایندگان تجار) و خود تاجر می‌باشند^۲ که این امر یکی از مهم‌ترین انتقاداتی است که در سال‌های اخیر بر دادگاه‌های تجاری وارد می‌شود و منتقدان همان‌گونه که پیشتر ذکر کردیم به دلیل عدم آشنایی قضات کنسولی با قوانین در اندیشه حذف این محاکم هستند. ملاحظه می‌شود که توجه فراوان به تخصص تجاری و غافل شدن از اهمیت تخصص‌های حقوقی در دادگاه‌های تجاری توسط قانون‌گذار فرانسوی، موجب ورود خدشه بر موقعیت این دادگاه‌ها در این کشور شده است.

در این خصوص ایران دقیقاً در نقطه مقابل فرانسه قرار گرفته و لایحه آیین دادرسی تجاری در ترکیب دادگاه‌های تجاری توجهی اندک و ناکافی به امر تخصص در دادگاه و دادرسی تجاری داشته است. توضیح آنکه در ایران ترکیب دادگاه تجاری وفق لایحه آیین دادرسی تجاری متشکل است از رئیس شعبه (دادرس) و مشاوران. شرایط انتخاب دادرس دادگاه همان شرایط

1. Raviart, Eugene, Op.cit, p 7.

2. Art L723-4.

عمومی است که برای قضاات سایر مراجع مقرر است.^۱ تنها ماده ۱۱ ل.آ.د.ت. گذراندن دوره‌های آموزش تخصصی قوه قضائیه را برای قضاات این محاکم ضروری دانسته است که مشخص نیست مقصود از این دوره‌ها چیست؟ چه اموری به قضاات آموزش داده می‌شود؟ اساساً آیا می‌توان با برگزاری یک دوره آموزشی از فردی با دانش حقوقی، یک متخصص در حوزه تجارت-نه فقط حقوق تجارت-ساخت که بر این طیف وسیع از معاملات تخصصی و پیچیده تجاری اشراف یابد و از تمامی اصطلاحات و مهارت‌های تجاری آگاه گردد؟ در خصوص مشاوران دادگاه تجاری که خود از تجار هستند و در کنار دادرسی دادگاه در ساختار دادگاه تجاری قرار می‌گیرند نیز باید گفت که متأسفانه لایحه نقش و تأثیر آنها را در پرونده‌های تجاری به اندازه نقش یک کارشناس کاهش داده است؛ زیرا، برای مشاوران هیچ حق رأیی در نظر نگرفته است. ماده ۷ لایحه اعلام داشته: «مشاوران در دادگاه تجاری و همچنین شعب و هیئت عمومی دیوان عالی کشور حق رأی ندارند و نظر مشورتی آنان به صورت مکتوب اعلام می‌شود». به این ترتیب تصمیم‌گیری در این دادگاه‌ها همانند محاکم عمومی فقط با دادرسی دادگاه است و مشاوران تنها نظر خود را بیان می‌دارند و بدیهی است که قاضی می‌تواند بدون توجه به نظر مشورتی مشاور، آن‌گونه که خود صلاح می‌داند مبادرت به صدور رأی نماید. بنابراین در صورتی که لایحه در این خصوص تغییری نیابد و به همین شکل به تصویب رسد دادگاه‌های تجاری که در آینده در ایران تشکیل خواهند شد، در تأمین ویژگی مهم تخصص در رسیدگی‌های تجاری ناتوان خواهند بود.

نکته آخری که ذیل عنوان تخصص اشاره به آن مفید به نظر می‌رسد این است که با توجه به اینکه دعوای تجاری از حیث موضوع دارای طیف وسیع و متنوعی هستند (مانند دعوای مربوط به حمل و نقل، بیمه، توقف، شرکت‌ها و غیره)، لازم است در میان شعب دادگاه تجاری نیز تقسیم‌بندی‌هایی صورت پذیرد؛ به‌گونه‌ای که هر شعبه به‌صورت تخصصی به یکی از موضوعات و اقسام دعوای تجاری بپردازد. این امر موجب می‌گردد تا دادرسی هر شعبه با تمرکز، تخصص و دقت بیشتری به موضوع رسیدگی نماید. این امر در ماده ۹ ل.آ.د.ت. لحاظ شده است: «رئیس

۱. مندرج در ماده واحده " قانون شرایط انتخاب قضاات دادگستری " مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ و الحاقیه‌های بعدی آن.

قوه قضائیه می‌تواند با توجه به نوع دعاوی، تجربه و تخصص قضات، برخی از شعب دادگاه تجاری را جهت رسیدگی به نوع خاصی از دعاوی از قبیل حمل‌ونقل، بیمه، ورشکستگی، مالکیت فکری و دعاوی تجاری بین‌المللی اختصاص دهد.^۹

گفتار سوم: محدودیت‌های داوری در جایگزینی دادگاه‌های تجاری

در حال حاضر به دلیل فقدان دادگاه‌های تجاری در ایران، بیشتر تجار ایرانی به جای آنکه دعاوی خود را به دادگاه‌های عمومی حقوقی با قضاتی غیرمتخصص در امر تجارت بکشانند، ترجیح می‌دهند از شیوه خصوصی حل و فصل اختلافات یعنی داوری بهره‌جویند؛ ضمن آنکه این نهاد از ویژگی‌هایی نظیر سرعت، تخصص، دقت و کم هزینه بودن برخوردار است که تجار را هرچه بیشتر به سوی خود متمایل می‌سازد.^{۱۰} اما داوری دارای محدودیت‌هایی است که سبب می‌شود این نهاد نتواند به‌طور کامل جایگزین دادگاه‌های تجاری شود و در نتیجه همواره به وجود یک دادگستری دولتی در کنار خود نیازمند است. در این گفتار برای توجیه هرچه بیشتر لزوم احیای مجدد دادگاه‌های تجاری در ایران، ذیل چهار قسمت، به بررسی محدودیت‌های داوری در قوانین ایران، به‌عنوان یک روش خصوصی برای حل و فصل اختلافات تجاری می‌پردازیم.

الف) استثنایی بودن داوری

در نظام‌های حقوقی در خصوص حل و فصل دعاوی اصل بر مراجعه به دادگاه‌ها است و رجوع به داوری استثنایی بر این اصل است و بایستی طرفین دعوی قبل یا بعد از بروز اختلاف برای رجوع به داوری جهت حل و فصل دعاوی خود از طریق داوری با یکدیگر توافق نمایند. برای ارجاع دعوی به داوری، معمولاً طرفین یک موافقتنامه داوری-اعم از قرارداد یا شرط داوری-را میان خود به امضا می‌رسانند. گاه نیز وقتی دعوا به محکمه کشید متفقاً از محضر دادگاه تقاضای ارجاع امر به داوری را می‌نمایند. به این ترتیب دعوا از دادگستری خارج شده و به روند خصوصی

۹. جنیدی، لمیا؛ قانون حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶، ج اول، ص ۹.

رسیدگی و حل و فصل اختلافات وارد می‌گردد.^۱ بنابراین طرفین به‌گونه‌ای اختیاری اختلاف خود را به داور یا داوران منتخب ارجاع خواهند داد. دعوای تجاری نیز تابع همین قاعده هستند و تا زمانی که میان طرفین توافقی-قبل یا بعد از بروز اختلاف-در خصوص حل اختلافات تجاری از طریق داوری صورت نپذیرد، چاره‌ای جزء توسل به مراجع قضایی باقی نخواهد ماند. بنابراین نیاز است که در کنار نهاد داوری، دادگاه‌های تجاری نیز وجود داشته باشند تا در صورت عدم وجود توافقی قبلی یا بعدی برای ارجاع امر به داوری، بتواند به‌عنوان یک مرجع تخصصی با دقت و اشراف کامل نسبت به مسائل تجاری، دعوای صورت گرفته را به نحو مطلوب حل و فصل نماید.

ب) محدود بودن قلمرو داوری

تنها دعوای قابلیت حل و فصل از طریق داوری را دارند که قابلیت ارجاع به داوری را داشته باشند.^۲ توضیح آنکه برخی دعوای به دلیل فقدان جنبه خصوصی و یا برخورد با مانع نظم عمومی، نمی‌توانند از طریق داوری حل و فصل گردند. نمونه بارز این‌گونه دعوای در حوزه تجارت، دعوای ورشکستگی و دعوای مربوط به مالکیت‌های صنعتی و فکری می‌باشند. بند ۱ ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی^۳ در احصاء دعوای که قابل ارجاع به داوری نیست، به دعوای ورشکستگی اشاره نموده است. گرچه مباحث مربوط به مالکیت‌های فکری و صنعتی امروزه تا حد زیادی از حقوق تجارت استقلال یافته اما به دلیل آنکه در برخی حوزه‌ها، مانند ثبت علائم تجاری، این دو مقوله به یکدیگر نزدیک می‌شوند، دادگاه‌های تجاری به دعوای مربوط به مالکیت فکری نیز رسیدگی می‌کنند. بند ۶ ماده ۲۵ ل.آ.د.ت نیز رسیدگی به این قسم از دعوای را صراحتاً در صلاحیت دادگاه تجاری می‌داند. در این حوزه‌ها نیز چون بحث نظم عمومی مطرح است، امکان ارجاع دعوی به داوری وجود ندارد. با این توضیح برخی دعوای بسیار مهم و حساس

۱. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: شمس، عبدالله؛ **آیین دادرسی مدنی**، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵، ج ۳، چ هفتم، صص ۵۲۴-۵۲۰.

۲. شمس، عبدالله؛ **پیشین**، ص ۵۲۳.

۳. از این پس از نشان اختصاری "ق.آ.د.م." به جای عنوان کامل این قانون استفاده می‌کنیم.

تجاری قابل ارجاع به داوری نیستند و برای رسیدگی به آنها نیاز به وجود یک دادگاه دولتی تجاری با قضاتی متخصص در این امور می‌باشد.

ج) فقدان قدرت اجرایی داوری^۱

نهاد داوری بر خلاف مراجع قضایی نمی‌تواند با بهره‌گیری از قوای قهریه رأی خود را اجرا نماید و برای اجرای رأی داور نیاز به درخواست از مراجع قضایی است. در همین راستا ماده ۴۸۸ ق.آ.د.م. اعلام می‌دارد: «هرگاه محکوم‌علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داوری را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست طرف ذی‌نفع طبق رأی داور برگ اجرایی صادر کند. اجرای رأی برابر مقررات قانونی می‌باشد». بدیهی است منظور از دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد در خصوص دعوی تجاری، دادگاه تجاری خواهد بود، منوط به آنکه لایحه آیین دادرسی تجاری در ایران به تصویب رسیده و دادگاه‌های تجاری در پی آن ایجاد شود؛ وگرنه کماکان مرجع اجرا کننده رأی داوری در امور تجاری دادگاه‌های عمومی حقوقی خواهند بود که با عدم اشراف خود به موضوعات و مباحث تجاری و اعمال همان مواد عام اجرای احکام مدنی، ممکن است روند اجرای رأی داور را کند و طولانی نمایند که این امر با مبانی حقوق تجارت و اساس و فلسفه ارجاع امر به داوری ناسازگار است.^۲

د) عدم قابلیت همیشگی داوری در حل و فصل سریع اختلافات

گرچه یکی از محاسنی که بسیاری از حقوق‌دانان برای داوری برمی‌شمارند، سرعت در رسیدگی است اما به عقیده ما داوری همواره موجب تسریع در فصل خصومت نمی‌گردد؛ زیرا، در بسیاری موارد مذاکرات مربوط به موافقت‌نامه داوری بیش از اندازه، شروع به داوری را به تأخیر می‌اندازد.

۱. شمس، عبدالله؛ پیشین، ج ۳، ص ۵۷۰ و صص ۵۸۲-۵۸۰.

۲. در حقوق فرانسه نیز اجرای رأی داور نیاز به دخالت دادگاه و مرجع قضایی دارد؛ یعنی اگر محکوم‌علیه به میل و اراده خود رأی داور را اجرا نکند، باید از رئیس دادگاه درخواست صدور دستور اجرا کرد. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Robert, Jean, *Arbitrage civil et commercial*, 4e édition, Paris, Dalloz, 1967, pp 282 & 283.

در اکثر موارد داوری داخلی، رأی داور طوعاً از سوی محکوم‌علیه اجرا نمی‌شود و کار به اجرای اجباری رأی داور می‌کشد.^۱ مهم‌تر اینکه طرف بازنده همواره این گرایش طبیعی را دارد که نسبت به رأی داور اعتراض نموده و این مرتبه به دادگاه دولتی مراجعه نماید.^۲ امری که شاید موجب گردیده سازماندهی دقیق‌تر شکایت از رأی داور روز به روز بیشتر احساس شود که خود در عین حال زمینه را برای تأخیر بیشتر در فصل خصومت فراهم می‌نماید. به‌علاوه اهمال طرفین دعوا در انتصاب داوران و نیز سهل‌انگاری در ارائه مدارک و اسناد به محکمه داوری برای بررسی و اظهار نظر نیز می‌تواند باعث اطاله داوری گردد. بنابراین به طول انجامیدن داوری به دلایل فوق‌الذکر از جمله عمده‌ترین مشکلات داوری است.

صرف‌نظر از این محدودیت‌ها، نهاد داوری همواره به مساعدت یک مرجع قضایی نیازمند است. تعیین داور از طرف مستنکف (مواد ۴۵۹ و ۴۶۰ ق.آ.د.م)، اظهار نظر نسبت به اصل قرارداد داوری (ماده ۴۶۱ ق.آ.د.م)، صدور حکم بر بطلان رأی داور (ماده ۴۹۰ ق.آ.د.م) و مسائلی از این دست نشان از لزوم وجود یک دادگاه در کنار داوری دارد. بدیهی است که در مسائل تجاری بهترین مرجع یک دادگاه ویژه تجاری می‌باشد.

نتیجه حاصل از توضیحات فوق این است که وجود نهاد داوری ما را از تشکیل دادگاه تجاری بی‌نیاز نخواهد کرد و داوری تنها می‌تواند به‌عنوان یک طریق حل و فصل خصوصی اختلافات در کنار مراجع قضایی مورد توجه قرار گیرد.

۱. برای مطالعه در خصوص اجرای اجباری رأی داور نگاه کنید به: شمس، عبدالله؛ پیشین، ج ۱، ص ص ۵۸۱ و ۵۸۲.

۲. برای مطالعه در خصوص شکایت نسبت به رأی داور نگاه کنید به: شمس، عبدالله؛ همان، ص ص ۵۸۰-۵۷۱.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ما در پی آن بودیم که ضرورت تشکیل دادگاه‌های تجاری را در ایران برای مخاطب خویش اثبات نماییم. در این راستا ضمن بیان ویژگی‌های حقوق تجارت-که عبارت بودند از امنیت، سرعت و تخصص-به ضرورت تشکیل محاکمی مجزا از دادگاه‌های عمومی برای تأمین این ویژگی‌ها اشاره نمودیم و دانستیم یک دادگاه تجاری زمانی مفید و کارآمد خواهد بود که به بهترین نحو این ویژگی‌ها را تحت پوشش قرار داده و تأمین نماید. بنابراین مقصود از تشکیل دادگاه‌های تجاری در کشور، تنها اضافه نمودن تشکیلات، ساختار و ساختمانی جدید به مجموعه قوه قضائیه نیست؛ بلکه بایستی در کنار تأمین این ظواهر، قانون‌گذاری‌های دقیق در وجوه مختلف-هم قواعد ماهوی و هم شکلی-صورت پذیرد تا این ویژگی‌ها تأمین گردد. به‌علاوه دانستیم که داوری به دلیل محدودیت‌هایی که دارا است، ما را از تشکیل دادگاه‌های تجاری در کشور بی‌نیاز نمی‌سازد.

به عقیده ما با توجه به گسترش و پیچیده‌تر شدن روابط تجاری و در نتیجه دعاوی تجاری و لزوم هرچه تخصصی‌تر کردن رسیدگی‌های قضایی از یک سو و محدودیت‌های داوری و عدم مقبولیت آن دست‌کم در حقوق داخلی از سوی دیگر می‌توان پیش‌بینی چنین تشکیلاتی را ضروری دانست. بنابراین اصل تشکیل دادگاه‌های تجاری در ایران باید امری مثبت تلقی شود. لازم به ذکر است که ما نیز بر این واقعیت واقف هستیم که حتی در صورت تصویب لایحه آیین دادرسی تجاری، ساختار و تشکیلات فعلی نظام قضایی ما با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود، آمادگی و امکان پذیرش دادگاه‌های اختصاصی جدیدی تحت عنوان دادگاه‌های تجاری را نخواهد داشت و تشکیل این محاکم قطعاً در عمل با مشکلاتی چون کمبود امکانات، نداشتن بودجه لازم برای تشکیل این محاکم و یا عدم وجود قضات متخصص در امر تجارت به حدکافی، روبه‌رو خواهد شد. بنابراین نباید به تشکیل فوری محاکم ویژه تجارت در ایران خوش‌بین بود و باید پذیرفت که به صرف تصویب لایحه شرایط برای تشکیل دادگاه‌های تجاری در ایران فراهم نمی‌شود چون مانع موجود بر سر راه تشکیل این دادگاه‌ها تنها مانع و خلأ قانونی نبوده، بلکه مشکل فراتر از این امور است و به نبودن ظرفیت‌های لازم در نظام قضایی ما برای پذیرش

محاكمی جدید در مجموعه قوه قضائیه باز می‌گردد؛ اما آنچه مسلم است این است که هیچ‌یک از این مشکلات عملی نمی‌تواند اصل ضرورت تشکیل این محاکم را زیر سؤال ببرد. بنابراین با توجه به نقش مهم و تأثیرگذار دادگاه‌های تجاری در گسترش روابط و معاملات سالم تجاری و بالتبع آن بهبود وضع اقتصادی جامعه، بایستی از همین حالا برای حل مشکلات عملی موجود بر سر راه تشکیل این محاکم تلاش شود. گرچه ممکن است هزینه‌هایی که در این راستا صرف می‌شود در کوتاه مدت به چرخه اقتصادی کشور باز نگردد اما بدون شک بازدهی مثبت و مفید چنین هزینه‌هایی را در بلند مدت می‌توان دید.

با عنایت به اهمیت رسیدگی تخصصی به دعاوی تجاری، تا زمانی که نظام قضایی ما آمادگی کامل برای تشکیل دادگاه‌های تجاری کارآمد و تربیت قضات متخصص در این حوزه را به دست نیاورده، به نظر می‌رسد بهترین راه برای جبران نبود این محاکم همین است که شعبی از دادگاه‌های عمومی فعلی برای رسیدگی به امور و دعاوی تجاری اختصاص یابد. در این موارد نیز، برای آنکه بتوانیم تا حدودی به فلسفه تشکیل دادگاه‌های تجاری نزدیک شویم، لازم است میزان تخصص قضات شاغل در این شعب در امر تجارت مدنظر قرار گیرد و حتی‌الامکان آموزش‌های لازم، تحت نظر خود تجار، برای این قضات تدارک دیده شود تا سطح آگاهی ایشان از مهارت‌ها، اصطلاحات و معاملات تجاری افزایش یابد. حضور مشاورانی از میان تجار در کنار قضات، به شرط آنکه نظر آنها برای قاضی لازم‌الاتباع باشد، نیز تا حد زیادی می‌تواند مشکل ناشی از عدم وجود قضات متخصص را رفع نماید و ویژگی مهم "تخصص" را در این شعب تأمین نماید. لازم به ذکر است در صورتی که تنها شعبی از دادگاه‌های عمومی به دعاوی تجاری اختصاص داده شود، ویژگی مهم "سرعت"، به دلیل تبعیت کلیه شعب دادگاه‌های عمومی از آیین دادرسی مدنی، در پرونده‌های تجاری مغفول خواهد ماند؛ زیرا، دانستیم قواعد ماهوی حقوق تجارت نقش چندانی در تضمین اصل سرعت در رسیدگی‌های تجاری ندارند و در این زمینه ما نیازمند وضع قواعد شکلی خاص برای دادرسی‌های تجاری هستیم.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. اسکینی، ربیعا؛ **حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری**، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، چ دوم.
۲. امین، حسن؛ **تاریخ حقوق ایران**، تهران، انتشارات دایره المعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۲، چ اول.
۳. پروژه؛ **نهادهای قضایی فرانسه**، ترجمه شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلامحسین کوشکی، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، چ اول.
۴. جنیدی، لعیا؛ **قانون حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی**، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۷۶، چ اول.
۵. خلعت بری، امیر ارسلان؛ **حقوق تجارت**، تهران، مطبعه تجارت، ۱۳۱۲، چ اول.
۶. راستین، منصور؛ **حقوق بازرگانی**، تهران، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، چ سوم.
۷. سماواتی، حشمت الله؛ **حقوق تجارت**، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۷۸، چ اول، چ اول.
۸. شمس، عبدالله؛ **آیین دادرسی مدنی**، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵، چ اول، چ دوازدهم.
۹. شمس، عبدالله؛ **آیین دادرسی مدنی**، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵، چ سوم، چ هفتم.
۱۰. عیسی تفرشی، محمد؛ **مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری**، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، چ اول، چ اول.
۱۱. متین دفتری، احمد؛ **آیین دادرسی مدنی و بازرگانی**، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸، چ اول، چ اول.
۱۲. محسنی، حسن؛ **ترجمه آیین دادرسی مدنی فرانسه**، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱، چ دوم.

۱۳. مهدوی، شیرین: *زندگی‌نامه حاج محمدحسین کمپانی امین دارالضرب*، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینک لو، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۹.

ب) لاتین

14. Le Gal, J.-P, Droit commercial, 4^e édition, Paris, Dalloz, 1973.
15. Raviart, Eugene, Les tribunaux de commerce, Paris, Librairie des juris classeurs, 1932.
16. Robert, Jean, Arbitrage civil et commercial, 4^e édition, Paris, Dalloz, 1967.
17. Vincent, Jean, Procédure civile, 18^e édition, Paris, Dalloz, 1976.

